



مرد جوان که متهم است چهار راننده تاکسی تلفنی را هدف اسیدپاشی قرار داده است، جرمش را انکار کرد. چهار مصدوم در حال تعویض لنت خودرو بودند که هدف اسیدپاشی نامرئی قرار گرفتند به طوری که هیچ کدام از آنها متوجه‌عامل اسیدپاشی نشدند. بررسی فیلم دوربین‌های مداربسته محل حادثه راژ این اسید پاشی را بر صلاحی کند. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۱:۲۵ فروردین‌ماه بود که مأموران کلانتری خزانه از اسیدپاشی به روی چهار راننده آژانس با خبر و راهی محل شدند. بررسی‌ها نشان داد چهار مرد جوان مقابل آژانس تاکسی تلفنی آرش در خیابان خزانه بخارایی در حالی تعویض لنت خودروی پرایدی بودند که ناگهان از کمر و سر احساس سوزش می‌کنند و لحظاتی بعد متوجه می‌شوند از سوی فرد یا افراد ناشناسی مورد حمله اسیدپاشی قرار گرفتند. همچنین مشخص شد چهار مرد مصدوم که همگی راننده آژانس تاکسی تلفنی هستند، پس از حادثه با دو دستگاه موتورسیکلت برای درمان به بیمارستان آیت‌الله کاشانی منتقل شده‌اند.

مأموران پلیس در ادامه برای بررسی حادثه راهی بیمارستان شدند که دریافتند شدت سوختگی دو نفر از راننده‌ها خیلی زیاد است به طوری که برای ادامه در مان به بیمارستان سوختگی منتقل شدند و دو نفر دیگر که سوختگی آنها کمتر است در بیمارستان آیت‌الله کاشانی تحت درمان قرار دارند. یکی از مصدومان حادثه اسید پاشی که شدت سوختگی

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۹۸۳۵

حمله اسیدی به چهار راننده تاکسی

آن نسبت به سه راننده دیگر کمتر بود، درباره حادثه گفت: ما همگی راننده آژانس هستیم و با خودروهامان در آژانس آرش مسافر کشی می‌کنیم. ساعتی قبل از حادثه یکی از راننده‌ها گفت که لنت ترمز خودروی پرایدش ایراد دارد و قصد دارد لنت ترمزش را تعویض کند. من و دو نفر دیگر از راننده‌ها سه کمک او رفتم و در حال تعویض لنت خودرو بودیم که ناگهان همگی احساس کردیم کمر و پشت سرمان احساس سوزش گرفت. ثانیه‌هایی بعد احساس سوزش به حدی بود که فریاد ما به آسمان بلند شد و با صدای بلند فریاد می‌زدیم، ای سوختم که شدت درد و سوختگی توان ما را گرفته بود با موتورسیکلت به بیمارستان رفتم پس از این همگی به داخل آژانس رفتم و با کمک افراد دیگر به کمر و سرمان آب پاشیدیم تا سوزش آن کم شود. در حالی که شدت درد و سوختگی توان ما را گرفته بود با موتورسیکلت به بیمارستان رفتم که متوجه شدیم مورد اسید پاشی قرار گرفتیم.

وی در ادامه گفت: ما چهار نفر با کسی دشمنی نداریم اما خانواده ما مدتی است که با دامادمان که شهروز نام دارد، اختلاف دارد به طوری که او همیشه خانواده ما را تهدید می‌کند و حتی چند بار هم با ما درگیر شده و الان هم در دادسرا پرونده شکایت ما در حال رسیدگی است به همین دلیل من به دامادمان مشکوک هستم و احتمال می‌دهم او قصد داشت به روی من اسید پاشد، اما به اشتباهی به روی همکاران من اسید پاشید.

■ **آغاز تحقیقات جنایی به دستور باز پرس**

در حالی که چهار مرد مصدوم تحت درمان پزشکی قرار داشتند، پزشکی قانونی اعلام کرد چهار مرد راننده با اسید سولفولیک غلیظ هدف قرار گرفته‌اند. پس از شکایت چهار مرد مصدوم پرونده به دستور قاضی منافی‌اذر، بازپرس ویژه قتل دادرهای اموی جنبای تهران برای رسیدگی و تحقیق در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد شهروز چند سالی است با خانواده همسرش اختلاف دارد و چندین بار هم با آنها درگیر شده و آنها را تهدید کرده است. بنابراین مأموران شهروز را به عنوان مظنون حادثه بازداشت کردند.

■ **متهم جرمش را انکار کرد**

صبح دپروز در حالی که چهار مرد مصدوم برای شکایت به دادسرای جنایی آمده بودند، متهم به دادسرا منتقل شد و مورد بازجویی قرار گرفت.

متهم با انکار جرمش گفت: من مکانیک هستم و روز حادثه در مغازه‌ام بود و از حادثه اسیدپاشی خبری ندارم. وی ادامه داد: زندگی خوبی داشتم و حاصل زندگی‌ام دو دختر است تا اینکه پنج سال قبل با خانواده همسرم اختلاف پیدا کردم و از آن روز به بعد آنها در زندگی من دخالت می‌کردند تا جایی که همسرم با دو دخترم از خانه من رفتند و الان پنج سال است مرا تنها گذاشته‌اند. پس از این خیلی تلاش کردم همسر و دو دخترم را به زندگی برگردانم، اما خانواده همسر همیشه مانع می‌شدند و زندگی مرا به تباهی کشاندند تا جایی که

قتل زن بی گناه برای تهیه پول درمان پای سگ

سحر که از من بزرگتر بود، آشنا شدم و در خانه او زندگی می‌کنم. مدتی قبل سگ همسرم دچار حادثه شد و پایش شکست. من هم تصمیم به در مان پای سگ گرفتم، اما پول آن را نداشتم. وقتی که لیلا برای مشکلش از من درخواست کمک کرد، تصمیم به فریب او گرفتم. به یهانه معرفی کردن رمال ۲ میلیون تومان از او پول گرفتم و آن را برای در مان پای سگ هزینه کردم. این پایان ماجرا نبود، چرا که بعد از آن لیلا مدام زنگ می‌زد و پولش را طلب می‌کرد. وقتی که تهدید کرد ماجرای پول را به همسر می‌گوید، شش حادثه در محل حادثه با او قرار گذاشتم. او را هل دادم و با چاقو چند ضربه به او زدم که کشته شد. داخل کیش اوراق هویتی و ۲۵۰ هزار تومان برداشتم، چاقو را میان شمشادها مخفی کردم و به خانه رفتم.

بعد از دست آمدن این اطلاعات بود که کارآگاهان سابق حسن را بررسی کردند. آنها متوجه شدند که حسن به این شیوه زنان و دختران را در شبکه‌های اجتماعی فریب می‌دهد و از آنها کلاهبرداری می‌کند. کارآگاهان موفق به شناسایی دهها دختر شدند که در دام این فرد گرفتار شده بودند. در شاخه دیگری از تحقیقات سحر و مهدی مورد تحقیق قرار گرفتند. در بررسی‌های پلیس معلوم شد وقتی تلاش مهدی و سحر برای میانجیگری با بن‌بست مواجه می‌شود، مهدی مدعی می‌شود می‌تواند با کمک یک رمال مشکل لیلا را حل کند. او به این بهانه ۲ میلیون تومان از لیلا پول می‌گیرد و قول می‌دهد تا ۲۹ روز دیگر مشکلش حل شود، اما بعد از گذشت این مدت حسن حاضر به ادواج با لیلا نیست به خاطر همین لیلا با مهدی تماس می‌گیرد و ۲ میلیون تومان را مطالبه می‌کند تا اینکه جسد لیلا پیدا می‌شود.

با به دست آمدن این اطلاعات بود که مهدی به عنوان مظنون اصلی بازداشت می‌شود. او که چاره‌ای جز اعتراف ندارد. به قتل اقرار می‌کند. مهدی در شرح ماجرا گفت: من کار مناسبی ندارم. مدتی قبل با

متوجه شد حسن متأهل است و او فریب داده است به خاطر همین از حسن طلاق گرفت. برای لیلا این پایان ماجرا نبود، چراکه به خاطر علاقه‌اش به حسن تصمیم به ازدواج دوباره با او گرفت. لیلا برای این کار از دوستش سحر ۲۶ ساله و شوهر او مهدی ۲۶ ساله خواست در نقش میانجی وارد شوند. بعد از دست آمدن این اطلاعات بود که کارآگاهان سابق حسن را بررسی کردند. آنها متوجه شدند که حسن به این شیوه زنان و دختران را در شبکه‌های اجتماعی فریب می‌دهد و از آنها کلاهبرداری می‌کند. کارآگاهان موفق به شناسایی دهها دختر شدند که در دام این فرد گرفتار شده بودند. در شاخه دیگری از تحقیقات سحر و مهدی مورد تحقیق قرار گرفتند. در بررسی‌های پلیس معلوم شد وقتی تلاش مهدی و سحر برای میانجیگری با بن‌بست مواجه می‌شود، مهدی مدعی می‌شود می‌تواند با کمک یک رمال مشکل لیلا را حل کند. او به این بهانه ۲ میلیون تومان از لیلا پول می‌گیرد و قول می‌دهد تا ۲۹ روز دیگر مشکلش حل شود، اما بعد از گذشت این مدت حسن حاضر به ادواج با لیلا نیست به خاطر همین لیلا با مهدی تماس می‌گیرد و ۲ میلیون تومان را مطالبه می‌کند تا اینکه جسد لیلا پیدا می‌شود.

پلیس در تصادف زنجیر های مشهد مقصر بود



اطلاعرسانی نکردن به مسافران و نصب نکردن تابلوهای هشداردهنده مبنی بر وقوع تصادفات محرز بوده و هر همین اساس متهم تعقیب اتهام شده و با قرار

بازپرس ویژه پرونده تصادف زنجیره‌ای آزادراه شهید شوشتری قصور و کوتاهی پلیس در اطلاع‌رسانی نکردن به مسافران را دلیل اصلی حادثه مطرح کرد و از تعقیب اتهام فرمانده پلیس راه استان و آزادی وی با قرار کفالت خبر داد. محمدحسن اصولی منسار با اشاره

به آخرین وضعیت پرونده تصادف زنجیره‌ای در آزادراه شهید شوشتری، به «ایسنا» گفت: با توجه به اقرار صریح متهم، فرمانده پلیس راه خراسان

مرگ مشکوک مرد معلول در خانه دختر همسر صیغه‌ای اش

مرد معلولی به طرز مرموزی از طبقه ششم آپارتمان دختر همسر صیغه‌ای‌اش به داخل کوچه سقوط کرد و جان باخت. به گزارش خبرنگار ما، پامداد روز ۱۳ فروردین ماه قاضی مردشکو، باز پرس ویژه قتل دادرهای امور جنایی تهران یا تماس تلفنی مأموران کلانتری نامجو از مرگ مشکوک مرد جوانی با خبر و همراه کارآگاهان اداره دم هم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که کوچه‌ای حوالی خیابان نامجو بود با جسد مرد ۳۵ ساله‌ی که نام بهرام زیر خودرویی روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی جان باخته بود. نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت که بهرام که از ناحیه دو پا معلول بود از پنجره آپارتمان طبقه ششم ساختمانی که متعلق به دختر زن صیغه‌ای اش است به داخل کوچه سقوط کرده و جان باخته است.

همسر صیغه‌ای بهرام که موضوع را به پلیس خبر داده بود، گفت: یک سال قبل با بهرام در خانه خواهرش آشنا شدم و همین آشنایی باعث شد تا هفت ماه قبل با هم به صورت صیغه پنج ساله ادواج کنیم. بهرام اهل شهرستان بود و هر چند وقت یک بار به تهران می‌آمد. مدت حادثه من و او مهمان دخترم بودیم که نیمه‌های شب من برای خواب به اتاق دخترم رفتم و بهرام هم به تنهایی در اتاقی خوابید. ساعت ۳ پامداد با صدای مهیبی از خواب بیدار شدم و وقتی به اتاقی خواب بهرام رفتم، متوجه شدم او خودش را از پنجره اتاق به داخل کوچه پرتاب کرده است.

مأموران در تحقیقات بعدی دریافتند، بهرام مدتی است با همسر صیغه‌ای اش اختلاف دارد به طوری که شب حادثه با هم مشاجره لفظی داشته‌اند، بنابراین تیم جنایی در گام بعدی از دختر همسر صیغه‌ای اش تحقیق کرد. وی گفت: مدتی است مادرم با شوهرش اختلاف دارد. مادرم مدعی است بهرام علاوه بر او با زن دیگری در ارتباط است و به همین دلیل شب حادثه من و او مادرم را به خانام دعوت کردم تا مادرم با او حرف بزند و مشکلش را حل کند که بهرام از خانه قهر کرد و من مجبور شدم، دوباره آنها را اشتی دهم، اما خبر ندارم بهرام چگونه سقوط کرد و فقط با صدای مادرم که فریاد زار از خواب بیدار شدم. همسر مرد فوت شده هم در تحقیقات بعدی در ادعایی گفت: من با بهرام اختلاف داشتم، اما در جریان سقوط مرگ گیار او به داخل کوچه دخالتی ندارم. بهرام اصرار داشت من در کار خلاف با او همکاری کنم، اما من قبول نکردم و همین موضوع باعث مشاجره لفظی ما در شب حادثه شد. نیمه‌های شب من به اتاق دخترم رفتم تا اینکه با صدای مهیبی از خواب بیدار شدم.

همزمان با ادامه تحقیقات، همسر مرد فوت شده به دستور قاضی مردشکو بازداشت شد و برای تحقیقات فنی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

آگهی رونوشت حصر وراثت

م‌الف:۴۸

خواهان رونوشت حصر وراثت شهناز زاژخواهی فرزند محمد به شناسنامه ۶۷۱ حوزه ۳ زاهدان به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاس ۹۵۱۲۵۸ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فرامرز زاژخانی فرزند محمد به شماره ۸۰۰۵۵۵۸۹۰ صادره زاهدان در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ در اقامتگاه دائمی خود بدرد حیات گشته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصراست به:

- متقاضی‌به مشخصات فوق‌الذکر خواهر متوفی
- حبیب اله زاژخانی فرزند محمد به ش.ش: ۴۹۸ صادره حوزه ۳ زاهدان برادر متوفی
- مصطفی زاژخانی فرزند محمد به ش.ملی: ۳۶۲۱۱۷۱۰۷۲ صادره حوزه ۳ زاهدان برادر متوفی
- محمد اسحق زاژخانی فرزند محمد به ش.ش: ۹۸۸۶ صادره زاهدان برادرمتوفی
- بزرگ زاژخواهی فرزند محمد به ش.ش: ۶۷۰ صادره حوزه ۳ زاهدان خواهر متوفی
- پری ناز زاژخانی فرزند محمد به ش.ش: ۳۷۳ صادره زاهدان خواهر متوفی
- زینب زاژخانی فرزند محمد به ش.ش: ۶۹ صادره زاهدان خواهر متوفی
- مهدی زاژخانی فرزند محمد به ش.ملی: ۳۲۰۴۱۶۴۷۲ صادره زاهدان خواهر متوفی
- مریم زاژخانی فرزند محمد به ش.ش: ۳۷۵ صادره زاهدان خواهر متوفی
- حمیده زاژخانی فرزند محمد به ش.ش: ۴۰۶۹ صادره زاهدان خواهر متوفی
- صغیه زاژخانی فرزند محمد به ش.ملی: ۳۶۱۰۰۵۲۱۹۸ صادره زاهدان خواهر متوفی
- اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامهای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی حل اختلاف شماره ۲ مجتمع مرکزی شهرستان زاهدان – محمدرضا طاهری نسب



پیکرهای پاک دو مأمور فداکار پلیس پایتخت تشییع شدند

بدرقه تا بهشت

پیکرهای پاک دو مأمور فداکار پلیس پایتخت که پامداد روز ۱۲ فروردین ماه در تعقیب و گریز خودروی متهمان به شهادت رسیده بودند، تشییع شدند. روز گذشته با حضور جمعی از خانواده‌های معظم شهدا و فرماندهان نیروی انتظامی، پیکر دوشهیدنیروی انتظامی از محل ستاد فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ تشییع شد دراین مراسم پیکرهای پاک شهدا با اشعارهای با حسین، یابوالفضل برای خاکسپاری در آرامگاهشان بدرقه شدند.

در روز ۱۲ فروردین برای جامعه بزرگ نیروی انتظامی اتفاق تلخ رخ داد و آن از دست دادن دو تن از مأموران وظیفه‌شناس به نام‌های محسن طهماسبی ومجد خدابنده‌لوی بود. در ساعات اولیه آن روز مأموران به خودروی پرایدی در خیابان داموند مشکوک شدند و دستور ایست دادند، اما راننده خودرو اقدام به فرار کرد و در راستای تعقیب و گریز بود که شهادت این دو مأمور رقم خورد.

بعد از گذشت چندروز از شهادت مأموران، طبق هماهنگی‌های لازم در ساعت ۸:۳۰ صبح روز گذشته مراسم تشییع پیکر این دو شهیدوالاقام در سنادقابت‌واقع در خیابان شریعتی تهران برگزار شد. در این مراسم جمعیت باشکوه و گسترده‌ای از فرماندهان نیروی انتظامی کنار خانواده‌های شهیدان حضور داشتند. در حالی که نوب‌ای مارش عزاو صدای مداحی در محوطه چشم‌ها رااشک‌آلود کرده بود، سردار ساجدی‌نیا فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ با ورود به محوطه در مقابل خانواده وسنگل شهدادان‌ای احترام کرد پس از آن هیئتی از جوانان با راه‌اندازی دسته عزاداری و چرخاندن پرچم پیشقدم پیکر شهداورد مراسم شدند و در ادامه پیکرهای مطهر شهیدان در تابلو‌هایی مزین به پرچم انتظامی ایران بزرگ با ورود به محوطه در مقابل خانواده وسنگل شهدادان‌ای احترام کرد پس از آن هیئتی از جوانان با راه‌اندازی دسته عزاداری و چرخاندن پرچم پیشقدم پیکر شهداورد مراسم شدند و در ادامه پیکرهای مطهر شهیدان در تابلو‌هایی مزین به پرچم تلاوت آیاتی از قرآن کریم و عرض تسلیت به خانواده محترم شهدا توسط مجری برنامه، سید علی یاسینی شروع و مداحی وروضه‌خوانی کرد.در ادامه حجت‌الاسلام والمسلمین باکتهاذ، رئیس عقیدتی‌فاتب در سخنرانی خودبمداز عرض تبریک به دو خانواده شهیدان گفتند: با توجه به مأموریت خطیر و بزرگ نیروی انتظامی اینکه برای حفظ امنیت شهر و کشور مأموری ولوطلب ش‌ود، جرئت می‌خواهد واین دو شهید بزرگواراز جمله شجاعان این تشکیلات بودند که باید به خاطر شهادتشان به خانواده آنها تبریک بگوییم، اما به جامعه نیروی انتظامی تسلیت می‌گوییم، چراکه وقتی در راهبیمایی‌های مختلف در سطح کشور، مسامات گوناگون در ماه‌های رمضان و محرم نیروی انتظامی به تنهایی از عهده امنیت و آرامش بر می‌آید، به خاطر داشتن اینچنین جوانانی است به همین دلیل از یک سو باید تسلیت گفت‌ واز سوی دیگر تبریک، چراکه شهادت افتخاری است که نصیب هر کسی نمی‌شود.

پس از سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین باکتهاذ، تابلوت شهیدان که همچون نگینی می‌درخشید در حالی که با گل‌های سفید و زرد زیر نیم‌نم باران توسط حضار کلیباران می‌شد توسط همکاران باولباشان تاختیابان شهیدبهبشتی بدرقه‌واز آنجابه شهرستان‌های اسلامشهر و توسیرکان منتقل شد تا در جایگاه ابدی‌شان آرام بگیرند.

در ادامه سردار ساجدی‌نیا در حل بدرقه پیکر مطهر شهیدان در گفت‌وگویی با جمع خبرنگاران در مورد چگونگی شهادت آنها گفت: نیروی انتظامی در ایام نوروز برای حفظ آرامش و امنیت مردم در سراسر شهر چندین ایستگاه بازرسی راه‌اندازی کرده بود. پامداد دوازدهم فروردین در یکی از این ایستگاه‌ها وقتی مأموران به خودروی پرایدی مشکوک شدند دستور ایست دادند تا آنجا که سرشتیان خودرو از افراد سابقه‌داری بودند، خلاف دستور ایست فرار کردند واین دو مأمور شجاع وظیفه‌شناس در عملیات تعقیب و گریزبه شهادت رسیدند. سردار ساجدی‌نیا در ادامه گفت: این قبیل اتفاقات اگر چه برای ما بسیار تلخ است اما امیدواریم برای مردم ایران مایه امیدواری باشد و بدانند که همه همکاران ما در نیروی انتظامی حافظ جان و مال آنها هستند و برای آرامش آنها تا پای جان ایستاده‌اند. او در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران در خصوص حوادث نوروزی گفت: خوشبختانه در نوروز اسمال کاشی ۴۰ تا ۴۰ درصدی در انواع حوادث از جمله شرارت‌ها، سرتقا‌و تصادفات منجر به فوت داشتم‌ایم. فرمانده نیروی انتظامی در آخر گفت: مادر مقابل همه تهدیدات داخلی و خارجی تمام قد ایستاده‌ایم و اعلام آمادگی می‌کنیم. دشمنان داخل و خارج بدانند ریختن خون فرزندانمان ما را در ادامه مسیر استوارتر و مقاوم‌تر خواهد کرد.

رونمایی دوباره از پرونده آوار مرگ در بیمارستان دولتی

اعضای خانواده‌ای که ۳۹ سال قبیل پدیر بیمارشان را سه علت حادثه ریزش آوار در بیمارستان سینینا از دست داده‌اند، اعلام شکایت کردند.



به گزارش خبرنگار ما، چهارم مردادماه سال ۵۷، بود که بخش جراحی و داخلی بیمارستان سینای تهران فراور طریق تولد یوزن پزشک ساختمان بیمارستان سینا شدند. بلافاصله ما به شدت زخمی شدند. بررسی‌های محل حادثه نشان داد، ریزش ساختمان بیمارستان به دلیل گوگرداری غیراصولی ساختمان مجاور آن که برای توسعه بیمارستان در حال ساخت‌وساز بود رخ داده است. در حالی که ۳۹ سال از زمان حادثه مرگبار بیمارستان سینای گذشته است، صبح دیروز مردی به دادسرای جنایی مراجعه کرد و گفت: پدرش به نام قاسم مرادی ۳۹ سال قبل در حادثه ریزش ساختمان سینا کشته شده است و الان از مقصران حادثه درخواست دیه دارم. همسر این مرد به خبرنگار ما گفت: زمان حادثه پدر شوهرم ۶۲ ساله بود و برای در مان عمل زانو در بیمارستان سینا بستری بود که صبح روز حادثه از طریق تولد یوزن پزشک ساختمان بیمارستان سینا شدند. بلافاصله ما به بیمارستان رفتم که فهمیدیم پدر شوهرم در این حادثه جان باخته است. در آن زمان ما فقط جسد را تحویل گرفتیم و شکایت کردیم تا اینکه مدتی قبل یکی از بستگانمان که مدتی قبل تصادف کرده بود، از مقصر شکایت کرد و دیه گرفت. وقتی فهمیدیم ما هم می‌توانیم برای مرگ پدر شوهرم درخواست دیه کنیم با او کلی مشورت کردیم و بعد از آن من و شوهرم تصمیم گرفتیم در دادسرا شکایت و درخواست دیه کنیم. ما با حکم قاضی دادرهای ناحیه ۱۲ بیمارستان رفتم که متوجه شدیم پرونده‌های آن زمان معدوم شده است، برای اثبات موضوع آرشپور نامه‌های آن زمان را که گزارش ریزش را پیگیری کردیم نوشته بودند، تهیه کردیم و به قاضی ارائه دادیم، اما بعد از آن مشخص شد، ما بلافصله ما ریزش آوار بوده باید در دادسرای جنبای تهران شکایت و موضوع را پیگیری کنیم. با طرح این شکایت، قاضی محسن مدیر روستا، بازپرس شعبه ششم دادسرای جنبای تهران دستور داد تا علاوه بر ارسال گزارش پزشکی قانونی درباره گرفتن غرامت از سوی خانواده قربانی در زمان حاده تحقیق شود.